

فقه نظام اجتماعی؛ الزامات و بایسته‌ها

مصطفی غفوری

چکیده

ازجمله دلایل عدم توفیق برخی موضوعات اجتماعی اسلام در جامعه امروز را می‌توان سلطه روشی یا استفاده از روش سکولار در پیاده‌سازی احکام و آموزه‌های اسلامی و همچنین عدم اتخاذ روش مناسب در استنباط کلان موضوعات اجتماعی فقه دانست؛ بنابراین ما با دو مسئله روش استنباط و روش اجرا و کاربست متناسب در جامعه مواجهیم، در مورد استنباط بحث از حجیت، صحت انتساب و کیفیت استنباط مطرح می‌گردد و در مورد اجرا نیز تناسب، پاسخگویی و انسجام آن با اهداف شریعت مورد توجه است.

این مطالعه تلاش دارد با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی از مجرای تأمل در اهداف و مصالح اجتماعی که اسلام تحقق آن را در نهادهای اجتماعی و احکامی که متکفل ساماندهی آن‌ها بوده، تمرکز بحثی بر مسائل ششگانه ایجاد کند تا مهندسی احکام اجتماعی به نحوی انتظام یابد که نه تنها تأمین‌کننده اهداف هر حکم باشد، بلکه در سطحی کلان بایستی تضمین‌کننده اهداف اجتماعی و منسجم با امت اسلامی باشد.

واژگان کلیدی: فقه نظام؛ نظام اجتماعی؛ فقه نظام اجتماعی؛ روش استنباط نظام.

مقدمه

سلطه استعماری غرب که زمانی سیاسی و اقتصادی بود، اکنون در قالب سلطه روشی استمرار یافته است (صدر، ۱۴۱۷ه: ۱۸)، منظور از سلطه روشی، تنظیم چارچوب اجرایی کردن هنجارها و اهداف اجتماعی در قالبی که نظام سلطه ارائه نموده است، به این ترتیب هرگونه ناسازگاری بین محتوا، روش و چارچوب نظامات اجتماعی و مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن منجر به ناکارآمدی آن نظام می‌گردد. از این رو می‌توان دلیل برخی عدم توفیقات عرصه‌های اجتماعی آموزه‌های اسلامی را در شرایط فعلی را مرهون آن دانست. به این معنا که وجود الگوهای سکولار در جامعه اسلامی، نتوانسته به همان میزان از شاخص‌های کارآمدی که در جوامع غربی دارد برسد.

ازجمله دلایل عدم توفیق برخی موضوعات اجتماعی اسلام در جامعه امروز را می‌توان سلطه روشی یا استفاده از روش سکولار در پیاده‌سازی احکام و همچنین عدم اتخاذ روش مناسب در استنباط کلان موضوعات اجتماعی فقه دانست، بنابراین ما با دو مسئله روش استنباط و روش اجرا و تطبیق متناسب در جامعه مواجهیم، که در مورد استنباط بحث از حجیت، صحت انتساب و کیفیت استنباط مطرح می‌گردد و در مورد اجرا نیز تناسب، پاسخگویی و انسجام آن با اهداف شریعت مورد توجه است؛ مثلاً یکی از نیازهای ضروری جامعه امروز بازار تأمین سرمایه (بورس) و نهاد عملیات مالی و اعتباری (بانک) است، که استنباط این نهادها از جهت حجیت، صحت انتساب و استنباط نظام‌مند آن مطرح و در اجرا تناسب با نیاز و توان پاسخگویی به آن و انسجام آن با نظامات اسلامی را باید لحاظ کرد؛ چراکه فقه نظام، با لحاظ غایات شریعت، به پردازش نظام‌مند احکام شرع پرداخته تا با پیوستگی میان احکام و امتداد اجتماعی آن به مسائل کلان و نظامات اجتماعی سامان دهد. تتبع در کلام اندیشمندان نشان می‌دهد که توجه به ساختارها و احکام به صورت کلان، قدرت تحت الشعاع قرار دادن احکام خرد و متفرق را دارد، پس ضرورت متناسب سازی جامع

و یکپارچه در صورت آن‌ها احساس می‌شود؛ هم چنانکه در این تحول درمی‌یابیم که احکام شریعت در امور اجتماعی نه تنها دارای احکام جزئی است، بلکه مجموعه احکام آن، در یک کلیت منسجم، تحقق مقاصد کلان شریعت را دنبال می‌کند. هرچند ضرورت انطباق قوانین با موازین اسلامی را در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان قانون آمره و حاکم تعبیه کرده است، و این امر شامل تمام اسناد بالادستی، نظام‌ها و خرده‌نظام‌ها می‌شود، اما عدم توجه به اهمیت چارچوب اجرایی آن سبب بروز برخی ناکارآمدی‌های موجود گردیده است.

اسلام جامع‌ترین آیین الهی با مجموعه‌ای از آموزه‌های عقلی و نقلی رابطه میان انسان با خدا، هستی و جامعه را تبیین می‌کند. علوم انسانی اسلامی ناشی از همین آموزه‌ها است، که ارزش‌های هنجاری سبب ظهور بخشی از علوم هنجاری مانند اخلاق و عرفان می‌شود. همان‌طور باورها و اعتقادات وحیانی نسبت به مبدأ و معاد و آفرینش سبب ظهور الهیات و علم کلام شده است. احکام بایسته‌های رفتاری، دانش فقه را پدید آورد و... که با تخصصی‌تر شدن علوم این دانش‌ها نیز گسترش پیدا کردند. حیات اجتماعی متناسب با اقتضائات و نیازهای انسانی دانش‌های اقتصاد، روان‌شناسی، مدیریت، سیاست، حقوق، جامعه‌شناسی و... را به وجود آورد و این دانش‌ها نقش اساسی در سامان‌زدگی دارند. در میان علوم فوق، علم فقه به دلیل اهتمام ویژه متدینین به هماهنگ‌سازی ساختن امور زندگی با شریعت اسلامی، به لحاظ کمی و کیفی رشد کرد. تمرکز عالمان دین در همین عرصه موجب ایجاد دستگاه روش‌گانی منسجم قاعده‌مند اصول استنباط شد که در خدمت تولید، توسعه و تبیین علم فقه قرار گرفت. بنابراین توجه ویژه علما و محققان اسلامی به دیگر علوم انسانی می‌تواند موجب رشد کمی و کیفی و ایجاد دستگاه روش‌گانی متناسب و مستقل شود.

روش تحقیق

روش تحقیق این بحث «توصیفی-تحلیلی» است. که البته جنبه توصیفی در آن صبغه بیشتری دارد؛ چراکه بر مطالعه تاریخی اندیشه علمای دانش مقاصدالشریعه متمرکز است و

این امر بر ارائه گزارش و توصیف تأملات موجود وابسته است. اما از آنجا که باید به تحلیل روند تحول اندیشه‌ها پرداخت و جمع‌بندی تحلیلی ارائه شود، از روش تحلیل نیز بهره برده است.

پیشینه تحقیق

پیوستگی مسائل اجتماعی، جلب مصالح انسانی را به هم مرتبط می‌نماید: «مصالح انسان بدون شک کاملاً محقق نخواهد شد، مگر اینکه شرایط آن در عرصه‌های اساسی فرد، خانواده و جامعه تحقق یابد؛ به عنوان مثال مقصد حفظ نسل از مقاصد اصلی شریعت در حوزه خانواده، که همزمان موجب آبادانی زمین، قدرت امت، حفظ دین و اموال و عامل اقتدار جامعه در مقابل سایرین خواهد شد که این موارد نیز از مصالح انسانی و مقاصد شرعی است (قارش، بی‌تا: ۱۰۱۶). بنابراین: «مقاصد شریعت در خانواده نشان می‌دهد که که شارع در پی تحقق آن‌ها در این نهاد اجتماعی است تا به نوبه خود، مقاصد عالیہ شرع را پیرامون هدف وجودی انسان و نقش او در حیات بشری برآورده کند» (نجار، ۲۰۱۷)؛ لذا اندیشه گفتمانی مقاصد شریعت، تحقق و حفظ کیان و نظام امت را تنها از طریق حفظ نهادهای اجتماعی آن می‌داند. که با اصلاح و استقرار خانواده، کیان امت نیز استوار می‌گردد و تلاش برای دستیابی به مقاصد خانواده ناگزیر منجر به تحقق یکی از بزرگ‌ترین مقاصد آن یعنی حفظ نظام و امت خواهد شد. پس احکام شریعت، متصل و یکپارچه و همچون اعضای یک پیکر هماهنگ در خدمت هم هستند که در چهارچوب این نظام حقوقی، اندیشه قانون‌گذار صرفاً اکتفا به خطابات شرعی، معانی جزئی و تکیه بر استنباط احکام شرعی از ادله اربعه نیست، بلکه توأمان موجب توجه به جایگاه خطابات، معانی کلی، مقاصد و اهداف شریعت در نهاد خانواده خواهد شد. بر این اساس، نظام حقوقی مقصدنگر، بنیان نهاده می‌شود که هم پا و همسوی روح دین حرکت نموده، و از پاسخگویی به نیازهای متحول زمان در نمی‌ماند (کاظمی، ۱۳۹۶: ۱۹-۲۰).

غزالی مصلحت را در حفظ مقاصد شریعت می‌داند: «مصلحت را جلب منفعت یا دفع ضرر توصیف نموده‌اند، لکن منظور از مصلحت، محافظت بر مقصود شرع در پنج مورد: حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال است؛ پس هرچه این اصول را تضمین کند مصلحت و هرچه حفظ این اصول را تخریب کند مفسده است» (غزالی، ۱۴۱۳ه: ۱۷۴). شاطبی نیز علی‌رغم تأیید مقاصد پنج‌گانه غزالی، معتقد بود که شریعت برای تضمین مصالح آتی و آتی بندگان وضع شده است، و مقاصد در سه ساحت ضروریات، حاجیات و تحسینات قرار می‌گیرند (شاطبی، ۱۹۷۵م، ۲: ۸) و مقاصد پنج‌گانه غزالی را در طبقه ضروریات، جانمایی می‌نماید (همان، ۱: ۷۳).

ابن عاشور معتقد است که دانش مبتنی بر مقاصد الشریعه، زمینه شناخت کلیاتی را فراهم می‌آورد که به فتوای فقیه، تقنین و تطبیق حقوقدان و تبیین مسائل اجتماعی جامعه‌شناس کمک می‌کند، به نحوی که جزئیات در یک چهارچوب جامع یکپارچه تحلیل شده و به رفع مشکلات پیش روی امت و بلکه بشریت کمک کند (عاشور، ۱۴۲۵: ۱۹۶). وی مقاصد را به مقاصد عام -اهدافی که شارع در همه یا بیشتر تشریحات در نظر داشته و اختصاص به نوع خاصی ندارد مانند مقصد حفظ نظام و عدالت و ... مقاصد خاص - که شارع برای یکی از ابواب مانند سکونت در باب نکاح یا دفع ضرر مستمر در باب طلاق منظور داشته است (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۳). و مقاصد جزئی - که شارع در هر یک از احکام به طور جزئی و انفرادی مدنظر داشته است مانند مصلحت حفظ عرض و آبرو در حکم قصاص (عطیه، ۲۰۰۳م: ۱۴۹). ابن عاشور که بعد اجتماعی را به عرصه مقاصد وارد کرد. سبب شد موضوع خانواده را یک نظام و زیرمجموعه نظام کلان جامعه اسلامی تصور نموده و سیستم‌های دقیق روابط را مشاهده کرد، تا حقوق و مسئولیت‌های افراد را از مجرای یک منظومه ارزشی پشتیبان این نهاد در مواجهه با چالش‌های مختلف دانست (عاشور، ۱۴۲۵م: ۴۳۴). از این حیث، نگاه به خانواده که پیش از آن بر مقصد تولیدمثل و تربیت فرزند متمرکز بود، به یک نهاد مهم اجتماعی که در آن منظومه‌ای از روابط انسانی که حقوق و تکالیف به صورت دقیق از این روابط محافظت می‌کنند تبدیل کرد (علوانی، ۲۰۱۳م: ۱۴۱).

ابن عاشور ساختار خانواده را مبتنی بر پیوندهای زوجیت، قرابت و مصاهره هیئت هرمی شکل ترسیم می‌کند و مقاصد آن را در چهار مقصد:

۷. تحکیم نظام روابط زوجیت: «با اعلان و شهرت نکاح زوج را به مصونیت از زن ترغیب می‌کند، زن را در دایره احسان قرار داده و امکان ثبوت انتساب نسل را فراهم می‌آورد» (عاشور، ۱۳۵).
۸. تحکیم نظام روابط نسب و قرابت: اسلام با نظام خویشاوندی، یک اصل مهم در تنظیم رفتار با دیگران بر اساس احترام و مودت را برای حفظ وحدت نوع انسانی بنا کرده که عاملی بنیادین در تحقق همبستگی اجتماعی محسوب می‌شود.
۹. تحکیم نظام روابط مبتنی بر مصاهره: تحکیم روابطی که پس از ازدواج بین خویشان طرفین نکاح شکل می‌گیرد.
۱۰. انتظام انحلال پیوندها: انحلال این سه مجموعه از روابط، دفع ضرر مستمر ناشی از فساد رابطه یا عدم امکان تداوم است.

بنابراین، نظام مقاصد خانواده از دیدگاه ابن عاشور، حفظ شبکه روابط انسانی در میان همه اعضای خانواده سپس تنظیم و گسترش آن شبکه با تعیین نقش‌ها، حقوق و تکالیف متقابل افراد در این شبکه روابط شکل می‌گیرد، و با تحلیل مقاصد احکام جزئی، فقه نظام خانواده را تنظیم کند (علوانی، ۲۰۱۳م: ۱۶۶).

جمال‌الدین عطیه در نقد دیدگاه غزالی و ابن عاشور و وجه امتیاز دیدگاه خود در موضوع خانواده می‌گوید: «غزالی در ارائه مقاصد شریعت باب نکاح، بدون توجه به احکام جزئی بررسی کرده و ابن عاشور برخلاف غزالی به مقاصد احکام جزئی بیش از حد نیاز پرداخته و تفصیل مقاصد احکام جزئی کلیات او را تحت الشعاع قرار داد و از بیان مقاصد کلی بازماند؛ اما با نگرش سیستماتیک مقاصد کلی را می‌توان درون احکام جزئی پیدا کرد، فارغ از آنکه

تحت سیطره جزئیات قرار گیرد» (عطیه: ۱۳۵). ایشان خانواده را یکی از مجالات تحقق «اهداف عام شریعت» می‌داند و ترتیب جدیدی را برای مقاصد شریعت در چهارده مقصد در چهار حوزه حیات انسان یعنی عرصه حیات فردی، خانوادگی، امت اسلامی و جامعه بشری ارائه نمود که مقاصد چهارده‌گانه مبتنی بر تکامل حیات انسان در این چهار حوزه ارائه می‌شوند:

۱. مقاصد عرصه حیات فردی: حفظ عقل، حفظ نفس، حفظ دین، حفظ آبرو، حفظ مال.

۲. مقاصد عرصه حیات خانواده: تنظیم رابطه میان دو جنس زن و مرد، حفظ نسل یا نوع انسانی، تحقق سکونت، مودت و رحمت، حفظ نسب، حفظ دیانت، ساماندهی جنبه نهادی و مالی خانواده.

۳. مقاصد عرصه حیات امت اسلامی: حفظ وحدت، حفظ امنیت، برپایی عدالت، حفظ دین و اخلاق، تعاون و تکافل امت، ترویج علم و حفظ عقل امت، آبادی و حفظ ثروت امت

۴. مقاصد عرصه حیات جامعه بشری: شناخت و همکاری متقابل، تحقق خلافت عامه انسان بر زمین، تحقق صلح جهانی، ترویج دعوت به اسلام

دکتر عبدالمجید نجار اوج اهتمام همه‌جانبه به حیات بشری را در احکام خانواده می‌داند؛ زیرا جزئیات احکام در این بخش، در هیچ حوزه دیگری دیده نمی‌شود و می‌گوید: «مصلحت انسان به‌طور افضل محقق نمی‌شود، مگر اینکه احوال وی در سه حلقه اساسی مدنظر باشد: حلقه فردی، خانوادگی و اجتماع؛ و شریعت احکامش را بر مقاصدی که متعلق به کل این حلقات باشد، بنا کرده است» (نجار، ۲۰۰۹: ۷۰). وی مقاصد شریعت در خانواده را این‌گونه ارائه می‌دهد: در این رویکرد، مقاصد یک باب مقدمه تحقق اهداف کلان شریعت نگریسته می‌شود و چنانچه اهداف شارع در یک واحد جامعه محقق شود، می‌توان ادعا نمود

که یکی از وجوه جامعه اسلامی مطلوب تحقق یافته است. علاوه بر اینکه توجه نظام مند به مجموعه‌ی شریعت به عنوان یک کل واحد و جانمایی مقاصد در راستای دستیابی به اهداف این کل، اهتمام به ساخت نظام احکام از میان احکام متفرق و تنظیم نوعی ارتباط و اندام‌واری در میان مجموعه احکام، از مهمترین دستاوردهای نگرش مقاصدی است. از این رو تأکید بر تحقق رویکرد سیستمی به حوزه احکام هم‌افزایی روشمندی را در دستیابی به اهداف و مقاصد شارع فراهم می‌آورد، لذا در این رویکرد، احکام و قوانین به عنوان یک شاکله منسجم و یکپارچه نگریسته می‌شوند که جزئیات آن می‌بایست ذیل یک نظام واحد، منتظم شده، یکدیگر را هم‌پوشانی داده، تقویت و حمایت کنند.

همچنین عنایت ویژه به مسئولیت اجتماعی در جامعه و امت اسلامی، منجر به مهندسی مجموعه احکام به سمت یک نهاد مؤثر امت ساز و تمدن ساز از دیگر دستاوردهای فقه مقاصدی است. در واقع رویکرد فقه مقاصدی به دنبال تدوین یک سیستم مقاصدگرایانه متکامل در مواجهه با احکام و اهداف شریعت اسلام است که بر مبنای آن بتوان از مجموعه اهداف جزئی، تحقق مقاصد شارع را نتیجه داد.

ایجاد یک نگرش فلسفه فقهی غایت نگر به منظومه احکام، خارج از دایره احکام نیز به بازشناسی، تحلیل و جهت‌یابی احکام نظام با اهتمام به استخراج اصول و اهداف شریعت منبعث از منابع و پشتوانه‌های اجتهاد روشمند، می‌تواند در حل چالش‌ها، مواجهه با مسائل نوپدید، و رفع تعارضات موجود مؤثر باشد به نحوی که قابلیت پایداری، تداوم و پذیرش احکام آن نظام را از ضمانت بیشتری برخوردار نمود؛ همچنین به نظر می‌رسد که اشراف بر مقاصد شریعت، امکان تولید سنج‌های معتبر درون‌گفتمانی را فراهم می‌آورد که بر اساس آن امکان غربالگری، پذیرش یا رد قوانین، سهل‌الوصول گشته و مؤید به وثاقت خاطر بیشتری خواهد بود و از این حیث احکام جزئی ذیل مقاصد کلی شریعت، به عنوان اصل تلقی نگشته و در یک چهارچوب کلان قابل‌سنجش و ارزیابی باشند.

علوم اجتماعی

نظریات جامعه‌شناسی چارچوب نظری توضیح و تحلیل فعالیت‌ها، فرایندها و ساختارهای اجتماعی است؛ که برخی با الهام از علوم طبیعی، قوانین حاکم بر اجتماع انسان‌ها را به دست می‌آیند؛ به گونه‌ای که قوانین و مدل‌های پیشنهادی می‌بایست صحت آن‌ها آزمایش‌پذیر باشد. و برخی به جای بررسی داده‌های تجربی فرایندهای اجتماعی، به مسائل پایه‌ای‌تر و درونی‌تر رفتار و نظم می‌پردازند. امیل دورکیم تأکید بر وجود واقعیت‌های در سطح اجتماع و مستقل از ویژگی‌های روانی مختلف تک‌تک افراد داشت که جهت یافتن این حقیقت‌ها و ارتباط آن به بررسی جوامع انسانی بدوی کرد.

ابن خلدون مورخ مشهور اسلامی در کتاب العبر برای تاریخ یک چرخش شش نسلی در نظر می‌گیرد که با عبرت از آن می‌توان به عمران زندگی آینده پرداخت و آن را علم عمران یا علم تشکیلات اجتماعی نامید که امروزه به آن جامعه‌شناسی گویند؛ اما کنت با الهام از علم فیزیک و موفقیت آن، درصدد یافتن قوانین حاکم بر جوامع انسانی با روشی علمی، مباحث خود را ابتدا فیزیک اجتماعی و بعدها جامعه‌شناسی نامید. جامعه‌شناسی در اواخر قرن ۱۹ میلادی به واسطه امیل دورکیم در فرانسه، ماکس ویر و گئورگ زیمل در آلمان، رابرت پارک و آلبیون وودبری اسمال در آمریکا تکامل یافت. اما جامعه‌شناسان آلمانی برخلاف فرانسوی‌ها و انگلیسی‌زبانان به جای تقلید از روش مدل‌سازی علوم فیزیکی بیشتر متأثر از تحلیل‌های تاریخی و تحت تأثیر دیدگاه‌های مارکسیستی بودند.

از این رو هرچند همواره رفع تعارضات نهادهای اجتماعی در مواجهه با تغییرات دنیای معاصر، توأم با حفظ مبانی ارزشمند شریعت اسلامی دغدغه مهم اندیشمندان اسلامی بوده اما به جهت عدم تنظیم و جانمایی در چارچوب نظام‌های نوین اجتماعی نتوانسته کاملاً همسو با غایات نظام اسلام، مصالح خرد و کلان جامعه اسلامی و راهگشا در انطباق با مقتضیات عصر و زمانه باشد؛ بنابراین ضروری است تا با رویکرد استنباط کلان، نظامات اجتماعی مورد خوانش قرار داده و با این هدف به مطالعه اهم دیدگاه‌های موجود در اندیشه

علمای این نگرش اسلامی در تبیین اهداف و مقاصد کلی - و نه اهداف جزئی ناظر به احکام خاص - در حوزه جامعه پرداخت.

کارآیی سیستمی

شهید صدر به ضرورت انسجام کارکرد و کارآیی سیستمی مباحث اجتماعی دقت نظر داشت، و نظام بانکی را مثالی برای نشان دادن این تناقض در نظام اقتصادی ذکر می‌نماید، اگرچه مقررات نظام بانکی قابل هدایت در چارچوب قراردادهای اسلامی است لکن خروجی آن منطبق با نظام‌های سکولار که در موارد زیادی در تعارض با مبانی و اهداف شریعت است. این وضعیت متناقض غالباً به ضرر نظام اجتماعی مدنظر اسلام بوده و گزاره‌های شرعی را ناکارآمد جلوه می‌دهد. به عبارتی قدرت ساختار به گونه‌ای است که الزاماتش را به اجزا تحمیل کرده که یا آن‌ها را دگرگون ساخته و یا به دفع آن از سیستم منتهی می‌گردد (صدر، ۱۴۱۷ه: ۱۷)؛ بنابراین کشف نظامات از سرچشمه دین هماهنگ با احکام و مبتنی بر مبانی اعتقادی و ارزشی و در مسیر تحقق اهداف و مصالح دنیوی و اخروی در عین توجه به واقعیت‌های اجتماعی راه حل این مشکل است (صدر، ۱۴۱۷ه: ۳۴۷-۳۶۷).

فراتر از مشکلات متعددی که استفاده از نظام‌های اقتصادی غیراسلامی برای جامعه اسلامی به وجود آورده است، معضلات اساسی تری را نیز برای ارکان اجتماعی جوامع اسلامی ایجاد نموده است، که علاوه بر عدم انسجام دستاوردهای آن با گستره‌ای از آموزه‌های اسلامی وجود ظرفیت عظیم منابع اسلامی از سویی و از سوی دیگر نیاز مبرم جامعه به نظام اجتماعی متناسب جهت رشد و توسعه تلاش در این حوزه را تکلیفی بر محققان قرار می‌دهد. که جنس و ماهیت این معضلات اساسی دیگر همچون گذشته به حیطة آزادی فردی، حجاب و اعتقادات محدود نگشته و با تغییر ماهیتی نهادها و ساختارهای اجتماعی همچون نهاد خانواده و دوستی و روابط و تعاملات انسانی را با دگرگونی مواجه ساخته است؛ به عنوان مثال در کنار ساختار خانواده، همباشی (ازدواج سفید)، تک‌همسری سریالی، رابطه باز،

کاکولدینگ (ترویلیسم)، وان نایت و... به وجود آمده است، علی‌رغم اینکه اکثر این موارد سابقاً به عنوان اختلال روانی شناخته می‌شدند، اما به تدریج به عنوان یک گرایش و نوعی از رابطه و رفته‌رفته به عنوان یک نهاد مستقل و نهایتاً یک حق انسانی تلقی می‌گردند، که در خوش‌بینانه‌ترین حالت این اتفاق یک تغییر نگرش است، لکن به نظر می‌رسد حتی شناسایی این موارد به عنوان اختلال شخصیتی و روانی، همه مراحل شناسایی و عادی‌سازی آن در کشورها بوده است.

نظامات مطلوب شارع - که متشرعین موظف به ایجاد یا انتظام به آن‌اند - یا مطلوب بالذات‌اند، مثل نظام ولایتی امامت، نظام شعائری ایام‌الله، نظام اقتصادی خمس و زکات و...؛ یا مطلوب بالعرض هستند مثل نظام حکومت، نظام تعلیم و تربیت، نظام تأمین، نظام وظیفه، نظام مالی و پولی و... . فرق این دو نظام هم در این است که در قسم اول نظامی خاص به عنوان تمام الموضوع یا جزء الموضوع و یا مسبب موضوع، مستقیماً متعلق حکم شرعی واقع شده و مطلوبیت آن اصلی است، اما در قسم دوم نظم خاصی در مطلوب بالذات و متعلق حکم شرعی دیده نمی‌شود، اما چون تحقق مطلوب بالذات تلازم پیشینی یا پسینی با نظامی خاص دارد، می‌توان نظم خاص مذکور را نیز تبعاً و بالعرض متعلق حکم شارع دانست.

بعضی قواعد اصولی نظیر «مقدمه الواجب» و «الامر بشئ امر بلوازمه» می‌توانند این انحصار را شکسته و پای انواع و اقسام نظامات را به مباحث فقهی باز کنند. قاعده فقهی «حرمت اختلال نظام» و روایت «اوصیکم بنظم امرکم» نیز گرچه ظهور در مطلوبیت «نظم‌های مشروع» دارند نه مشروعیت «کل ما یطلق علیه النظم»؛ اما با این حال می‌توانند دلیل خوبی برای اثبات فقه نظام باشند (کمالی، ۱۳۹۷).

شهید صدر^(۵) هرچند به‌طور مستقیم به نظام و مراحل آن نپرداخته است لکن از مجموع بیانات ایشان نظام اقتصادی ضمن مراحل از احکام روبنایی و مکتب تا سیاست‌گذاری و اجرا و حتی تولید علم اقتصاد اسلامی قابل ترسیم است از این‌رو با توجه به مطابقت نسبی اصول اقتصادی قانون اساسی با اصول مکتب اقتصادی مورد اشاره شهید صدر & می‌توان با

ارزیابی آن ضمن بررسی قوانین متفرع از آن، میزان درستی مسیر ترسیم شده توسط قوانین اقتصادی کشور را سنجید و با تعدیل و اصلاح اشکالات، آن‌ها را به مسیر اصلی خود بازگرداند.

در ترسیم مراحل منظومه اقتصادی از احکام جزئی تا تولید علم اسلامی نشان می‌دهد که می‌توان با رهنمودهای شهید صدر به تحقق این منظومه در ضمن هفت مرحله از ساماندهی احکام مرتبط به عنوان روبنا به منزله قانون مدنی تا کشف مکتب و پایه‌های آن به عنوان زیربنا و تنظیم نظام موضوعات و مسائل جهت حرکت از مکتب در پاسخ به آن‌ها تا سیاست‌گذاری متناسب با آن و تدارک ابزار هدایتگر با لحاظ مسائل اجرائی و اشکالاتی که در موقع اجرا بروز می‌نماید به تولید علم اقتصاد اثباتی نائل شد که این همه مراحل مختلفی است که می‌توان در جهت نیل به منظومه اقتصاد اسلامی تصور نمود، شهید صدر^(۵) ضمن تبیین مکتب اقتصادی اسلام اشاراتی در خصوص تحقق نظام اقتصادی اسلام مطرح می‌نمایند با وجود تبیین نسبتاً روشن ایشان در این باره در تشریح بیانات میان محققان اختلاف نظرهایی به وجود آمده که موجب کندی یا توقف تلاش‌ها و تحقیقات در این مسیر گردید. از این رو لازم است ضمن بازخوانی این اندیشه، ترسیم کامل و جامعی نسبت به آن در عین رعایت اختصار بایبانی ساده انجام شود. به امید آنکه این ضرورت و چالش علمی در میدان رقابت اندیشه‌ها به مسیر اصلی خود بازگشته و با شتاب هرچه بیشتر جبران مافات نموده و با الگوی بخشی خلأهای مختلف موجود در نظام اسلامی را پشتیبانی کرده و هویت عظیم خود را بازیابی نماید.

مکتب: شهید مطهری مکتب را یک تئوری کلی و طرحی جامع، هماهنگ و منسجم باهدف کمال انسان و تأمین سعادت همگانی می‌داند که در آن خطوط اصلی و روش‌ها، باید‌ها و نباید‌ها، خوب‌ها و بد‌ها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص است و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای افراد است (مطهری،

۱۳۷۵: ۵۴). شهید صدر آن را مجموعه‌ای از هنجارهای پذیرفته شده توسط افراد یک جامعه می‌داند که کاملاً انتزاعی بوده و عینیت خارجی ندارد؛ مانند مکتب اقتصاد لیبرال که مبتنی بر اصالت سود و مالکیت شخصی است (صدر، ۱۴۱۷ه: ۳۵۹).

رابطه مکتب و نظام: رابطه این دو مفهوم عموم و خصوص مطلق بوده و نظام اعم از مکتب است؛ زیرا مکتب تنها به نظام معرفتی اطلاق می‌گردد؛ ولی نظام محدود به معرفت نبوده و شامل رفتارها و... می‌شود (آقائظری، ۱۳۹۷: ۳۰). مکتب دانش تجربی نیست و به توضیح و تفسیر مشکلات اجتماعی نمی‌پردازد؛ بلکه مکتب، جهت دهنده به علم است و با ارائه انگیزه‌ها، آرمان‌ها، قوانین، مقررات و بایدها و نبایدها، آن علم را هدایت می‌کند. تجلی عینی و نمود خارجی مکتب، نظام است که رسالت آن، اجرای اهداف مکتب است. به عبارت دیگر، تنظیم و هدایت فعالیت‌های اقتصادی و تقسیم آن میان افراد، بر طبق رهنمودهای مکتب، هنری است که نظام اقتصادی آن را بر عهده دارد (سادات حسینی، ۱۳۸۶: ۲).

سازمان: مجموعه هدفمندی است که پیرو یک نظام (سیستم) است (فرهنگ معین). کوشش جمعی بر اساس روابط منظم برای رسیدن به هدف مشترکی که هر یک از افراد به تنهایی از رسیدن به آن عاجزند (قرائی مقدم، ۱۳۷۵: ۸۹). بنابراین سازمان یعنی نهاد همراه با آیین‌نامه‌های اجرایی که در چهارچوب یک مکتب به تصویب و جهت تحقق آن ارزش‌ها و هنجارها برنامه‌ریزی شده است.

نظام اجتماعی: کنش متقابل بین افراد دربردارنده نهادها و سازمان‌های اجتماعی است که کارکردشان تولید عدالت و مشروعیت اجتماعی است (ریترز، ۱۳۷۴: ۷۶).

بررسی تفاوت نظام، مکتب و سازمان

از آنجاکه نظم به دو قسم صناعی و تکوینی تقسیم می‌شود؛ صناعی مصنوعات بشری مانند ساعت و کامپیوتر و تکوینی مانند بدن انسان و نظام خورشید و ماه. بدیهی است نظامات تشریحی برفرض وجود از جمله اقسام صناعی خواهند بود، با این تفاوت که مهندس

آن شارع و سازنده آن مکلفین خواهند بود. البته چون عدلیه معتقد به تبعیت احکام از مصالح و مفاسدند، نظام تشریح از حیث مبادی به نظام تکوین نیز مربوط و به نوعی منبعث از آن است، و لو اینکه نظام مصالح و مفاسد مفروض معلوم نیز نشوند (جوادی آملی، ۱۳۸۶). در یک جمله می توان تفاوت مکتب با نظام را این گونه گفت: مکتب مبنای فکری است ولی نظام اجرا و عملیاتی شدن آن مکتب است، به همین ترتیب سازمان نیز مجموعه پیرو نظام جهت تحقق اهداف آن است.

عناصر تشکیل دهنده نظام

با توجه به تعریف هایی که از نظام شده است می توان عناصر اساسی آن را چنین برشمرد:

عنصر اول: این است که دارای اجزاء است؛ لذا شیء بسیط، نظام به شمار نخواهد آمد.

عنصر دوم: اینکه اجزاء باید گوناگون باشند؛ یعنی اگر یک مجموعه از اجزای تکراری تشکیل شده باشد باز هم نظام درست نمی شود.

عناصر سوم و چهارم: اینکه اجزا در عین اختلاف، باهم سازگار بوده و مجموعه اجزا باید باهم متناسب باشند. البته صرف تناسب کفایت نمی کند، و لازم است باهم در تعامل باشند و هرکدام نقش خاص خود را ایفا کند تا انباشت و فرآیند این ایفای نقش ها موجبات تأمین غایت را فراهم کند.

عنصر پنجم: هر نظامی باید غایت هدفی را تأمین کند (غفوری الحسینی، ۱۳۹۷، ۹۱: ۶).

ویژگی های نظام اجتماعی

بنابر آنچه از معانی اصطلاحی نظام مطرح شد و عناصر مختلفی که از آن استنتاج گشت، می توان گفت که هر نظام اجتماعی نیازمند ویژگی است تا مصدق این عنوان باشد:

۱. قابل اجرا بودن اصول و قواعد نظام: باید همه اصول نظام اقتصادی و قواعد آن به صورت کامل اجرا شود، تا نتایجی که نظام در دستیابی به آن‌ها تمایل دارد، محقق شود. اجرای کامل هر نظام، مستلزم سازگاری تمام عرصه‌های فعالیت در جامعه با مطالبات نظام است.
۲. پویا بودن نظام: در نظام اقتصادی نباید قانون ثابتی که همه جزئیات را شامل شود، وجود داشته باشد؛ بلکه نظام باید فقط خطوط کلی و اصول اساسی را تعیین کرده، جزئیات دیگر را به جامعه واگذار کند؛ تا مطابق وضعیت، متغیر آن‌ها به مرور زمان تعیین شود.
۳. هدف‌دار بودن نظام: نظام اقتصادی، مجموعه معینی از ارزش‌ها را برگزیده و به آن پایبند است (منذر، ۱۳۸۴، ش ۱۸: ۱۷۱-۱۷۳). بر این اساس الگوی زیر می‌تواند ترسیمی از منظومه اقتصاد اسلامی بر اساس رهنمودهای شهید صدر & باشد:

فقه نظام اجتماعی؛ الزامات و بایسته‌ها

نظام اجتماعی اسلام



شکل (۱): مراحل نظام اجتماعی اسلام

ملاك انواع فقه نظام

بنابر آنچه گذشت می‌توان چند ملاک و لحاظ را در انواع فقه نظام بیان داشت:

اولاً: لحاظ هدف، از جهت حیثیت فردی و اجتماعی، مانند: فقه فردی و فقه اجتماعی در معنای وسیع آن (میرباقری، ۱۳۹۵: ۶۳). شهید صدر+ می فرماید: «اینکه بر ارتباط میان احکام اسلام تأکید می نمایم، به معنای احکام ارتباطی و ضمنی در مفهوم اصول فقهی نیست، تا اگر برخی از آن احکام متوقف گردد سایر احکام نیز ساقط گردند، بلکه منظور از آن حکمتی است که در ورای آن احکام مورد توجه است که اگر اسلام به صورت کلی و غیر متجزی اجرا شود، کامل محقق نمی شود، هر چند فی الواقع امثال هر حکمی با قطع نظر از امثال حکم دیگر و یا تمرد از آن باشد» (صدر، ۱۴۱۷ه: ۴۳).

ثانیاً: لحاظ عرصه های مختلف زندگی، که گاهی عرصه های کبروی زندگی است، مانند: فقه سیاسی و فقه دولت، فقه اقتصادی و فقه اجتماعی و... و یا ملاحظه عرصه های صغروی زندگی، مانند: فقه بانک و فقه بازارهای مالی، فقه ساخت و ساز و فقه محیط زیست، فقه فن آوری های مدرن و فقه خانواده یا فقه کودک.

این ملاک از فقه نظام پوشش یکی از حیثیت های اجتماعی اشاره دارد، به گونه ای که قابلیت تعمیم و استناد پیدا کند؛ یعنی فقه تبیین خود را در موضوعی اجتماعی به عنوان مؤلفه ای از حکومت در بستر اجتماع امروزی ارائه و ثابت کند. به گونه ساختاری که در آن فقه خودش را تبدیل به نهادی در بستر اجتماع کند.

ثالثاً: لحاظ سایر ویژگی های علمی فی الجمله و تقسیم در پرتو آن، مانند: فقه اداره و فقه پزشکی یا فقه تربیت و فقه پرورشی و یا فقه فنون یا فقه ورزشی؛ به عبارتی تقسیم بر اساس دیگر لحاظ ها اشتباه نیست، لکن می بایست جهت آن مشخص باشد تا آثار عملی یا علمی بر آن مترتب گردد (غفوری الحسینی، ۱۳۹۷، ۹۴: ۹).

رابعاً: لحاظ کلان نگری؛ فقه نظام فقه احکام نظامات است، نه احکام مسائل و موضوعات. شهید صدر در تبیین احکام نظام اقتصادی به خرده مسائل درونی نظام اقتصادی ورود پیدا می کند، تا فراتر از آن چتر مفهومی حاکم بر خرده مسائل درون نظام اقتصادی را تحلیل کند؛

به عبارتی فقه نظامات درصدد به دست آوردن احکام کلان و حاکم بر این مجموعه اقتصادی است.

خامساً: لحاظ فقه فرا احکامی؛ یعنی فقهی که فراتر از احکام به مقاصد هم توجه دارد؛ البته در تلازم نسبت بین احکام و مقاصد، دو دیدگاه وجود دارد: ۱. دیدگاهی که جعل تمام احکام را در نسبت با مقاصد می داند؛ ۲. دیدگاه دیگر می گوید لازم نیست نسبت تک تک احکام، با مقاصد سنجیده شود بلکه مجموعه احکام باید تأمین کننده مقاصد باشد. به هر حال فقه نظام، فقه تأمین کننده مقاصد است. به عبارتی تأمین مقاصد در سطح ساختارهای نظام کلان و یا در مسائل نظام است.

سادساً: لحاظ گستره رسالت فقه؛ پیرامون گستره رسالت فقه دوگانه ای وجود دارد: سابقاً مشهور بود که کار فقیه، حکم شناسی است نه موضوع شناسی، و موضوع شناسی کار کارشناس است. اما چنین تفکیکی در خصوص موضوعات جدید و نظام های اجتماعی، که خود شناخت موضوع، بخشی از فرآیند استنباط حکم است، قابل توجه نیست. به عبارت دیگر، موضوع بعدی از حکم شناسی است لذا فقیه با استفاده از اطلاعات کارشناسی می تواند موضوع را مناسب با احکام فقهی شناسایی و توصیف کند. به همین علت فقه نظام، علاوه بر داده های تجویزی، داده های توصیفی هم دارد. در بخش توصیفی کارش موضوع شناسی است؛ البته بیان شد که مراد از موضوع شناسی فقیه این نیست که خود موضوع شناسی کند، البته که کار فقیه حکم شناسی است و کار کارشناس موضوع شناسی؛ منتها تفاوت در اینجا است که خود موضوع شناسی چون فنی و پیچیده شده، باید با استفاده از نظرات اطمینان بخش کارشناسی، در پرتو متدولوژی اجتهادی، موضوع شناسی سامان پیدا کند. یعنی هم چنانکه یک اجتهاد علمی داریم، یک اجتهاد عملی هم نیاز داریم و یکی از آسیب های حوزه علمیه امروز تمرکز روی اجتهاد علمی است (ن.ک: رهدار، ۱۳۹۹).

نتیجه گیری

سلطه روشی یا استفاده از روش سکولار در پیاده سازی احکام و آموزه های اسلامی و همچنین عدم اتخاذ روش مناسب در استنباط کلان موضوعات اجتماعی فقه دانست. در ترسیم مراحل منظومه اقتصادی از احکام جزئی تا تولید علم اسلامی نشان می دهد که می توان با رهنمودهای شهید صدر به تحقق این منظومه در ضمن هفت مرحله از ساماندهی احکام مرتبط به عنوان روبنا به منزله قانون مدنی تا کشف مکتب و پایه های آن به عنوان زیربنا و تنظیم نظام موضوعات و مسائل جهت حرکت از مکتب در پاسخ به آن ها تا سیاست گذاری متناسب با آن و تدارک ابزار هدایتگر با لحاظ مسائل اجرائی و اشکالاتی که در موقع اجرا بروز می نماید به تولید علم اقتصاد اثباتی نائل شد که این همه مراحل مختلفی است که می توان در جهت نیل به منظومه اقتصاد اسلامی تصور نمود، شهید صدر & ضمن تبیین مکتب اقتصادی اسلام اشاراتی در خصوص تحقق نظام اقتصادی اسلام مطرح می نمایند با وجود تبیین نسبتاً روشن ایشان در این باره در تشریح بیانات میان محققان اختلاف نظرهایی به وجود آمده که موجب کنندی یا توقف تلاش ها و تحقیقات در این مسیر گردید؛ بنابراین می توان یک مجموعه نظام مند را برای فقه در نظر داشت، مجموعه ای که از احکام شرعی یک ساحت مشخص، نظریات کلان اجتماعی را ارائه کند؛ که این تعریف منتزع از تتبع در موارد استعمالی است، اما در اینجا تعیین ملاکات فقه نظام حائز اهمیت بیشتری است، که عبارت اند از:

اولاً: به لحاظ هدف، از جهت حیثیت فردی و اجتماعی، مانند: فقه فردی و فقه اجتماعی
ثانیاً: لحاظ عرصه های مختلف زندگی، گاهی عرصه های کبروی زندگی، مانند: فقه سیاسی و فقه دولت و ... و یا ملاحظه عرصه های صغروی زندگی، مانند: فقه بانک و فقه بازارهای مالی و تجاری است.

ثالثاً: لحاظ ویژگی های علمی و تقسیم در پرتو آن، مانند: فقه مدیریت و فقه پزشکی یا فقه تربیت و ... و توجه به قابل اجرا بودن، پویایی و هدفمندی آن ها به این مهم پی ببریم.

رابعاً: لحاظ کلان‌نگری؛ فقه نظام فقه احکام نظامات است، نه احکام مسائل و موضوعات.
خامساً: لحاظ فقه فرااحکامی؛ یعنی فقهی که فراتر از احکام به مقاصد هم توجه دارد.
سادساً: لحاظ گستره رسالت فقه؛ در گستره رسالت فقه دوگانه حکم و موضوع‌شناسی
وجود دارد، یعنی در کنار اجتهاد علمی، نیازمند اجتهاد عملی هستیم.
هرچند تقسیم بر اساس دیگر لحاظ‌ها اشتباه نیست، لکن می‌بایست جهت در آن لحاظ
شود تا آثار عملی یا علمی بر آن مترتب شود.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- احمدی ابهری، محمدعلی (۱۳۹۵)، «نقش مقاصد شریعت در تأثیر مقتضیات زمان بر سیاست کیفری اسلام»، تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آقانظری، حسن و توکلی، محمدجواد و بیدار، محمد (۱۳۹۷)، «معناشناسی «مکتب، نظام و علم در ادبیات اقتصاد اسلامی»، فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، شماره ۱۹.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، «تبیین براهین اثبات خدا»، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ ۵.
- رهدار، احمد (۱۳۹۹)، «ویژگی های فقه نظام ساز و فقه حکومتی»، fotooh.ir.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، «نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر»، محسن ثلاثی، علمی، تهران.
- شاطبی، ابراهیم بن موسی (۱۹۷۵)، «الموافقات فی أصول الشریعة»، تحقیق: محمد عبدالله دراز، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر.
- صدر، محمدباقر (۱۴۱۷هـ)، «اقتصادنا»، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- عاشور، محمد الطاهر (۱۴۲۵هـ)، «مقاصد الشریعة الإسلامية»، قطر: وزارة الاوقاف والشئون الاسلامية.
- عطیه، جمال الدین (۲۰۰۳م)، «نحوه تفعيل مقاصد الشریعة»، دمشق: المعهد العالمی للفکر الاسلامی.
- علوانی، زینب طه (۲۰۱۳م)، «الاسره فی مقاصد الشریعه: قرأة فی قضایا الزواج والطلاق فی امریکا، المعهد العالمی للفکر الاسلامی»، بیروت.
- غزالی، ابوحامد محمد بن محمد (۱۴۱۳هـ)، «المستصفی فی علم الاصول، تحقیق: محمد عبدالسلام عبدالشاف»، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- غفوری الحسنى، خالد (۱۳۹۷)، «فقه مضاف»، فصلنامه فقه اهل البيت، شماره ۹۴، لبنان.
- قارش، جميله (بی تا)، «المقاصد الشریعه فی الاسره ودورها فی تفعل قوانین الاسره فی البلاد الاسلامیه»، جامعه باتنه، المؤتمر الدولی التاسع.
- کاظمی، زهره (۱۳۹۶)، «جایگاه مقاصد شریعت در افق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت»، ششمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران.
- کمالی، (۱۳۹۷)، «از فقه نظام تا نظام تأمین با مطلوبات بالعرض شارع»، سایت ijthadnet.ir.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۵)، «مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی»، تهران: صدرا.
- میرباقری، محمد مهدی (۱۳۹۵)، «فقه حکومتی از منظر شهید صدر با مروری بر ویژگی‌های فقه نظامات»، راهبرد فرهنگ ۳۶.
- نجار، عبد المجید (۲۰۱۷)، «مقاصد الشریعة فی أحكام الأسرة (توجیها لأحكام الأسرة المسلمة فی الغرب)»، المجلس الأوربي للإفتاء والبحوث.